راهنمای تقریرات حلقه ثالثه :

این تقریرات از روی صوت حلقه ثالثه استاد محمدحسین ملک زاده تقریر شده­اند؛ در متن تقریر پیش رو شماره­هایی می­بینید که متشکل از شماره نکته­ی تقریر شده و شماره­ صفحه­ی مد نظر است ( مثلا 5/150 تقریر 5 در صفحه 150 ) این شماره را از فایل جانبی در پوشه اصلی همین تقریرات بنام " متن عربی حلقه ثالثه برای تطبیق متن تقریرات با متن اصلی " میتوانید ببنید تا متوجه بشوید که هر تقریر ذیل چه متنی گفته شده است. در ضمن در خود تقریرات، متن عربی حلقه ثالثه ، که تقریر ذیل آن انجام شده برای استفاده سریعتر آورده شده است. خوشحال میشویم هرگونه اصلاح متنی که انجام دادید یا نظرات خود را برای ما بفرستید. جهت ارتباط با ما : 09363211730 ، پیامرسان­های ایتا و بله؛

\*- صوت 133 ثمرة البحث فی اجتماع الأمر و النهی

\*- اگر ما قائل به امتناع اجتماع بشویم مسأله وارد تعارض میشود.

\*- اما اگر قائل به جواز بشویم در اینحالت که قائل به جواز شویم از دو حالت خارج نیست یا مندوحه داریم یا مندوحه نداریم. اگر مندوحه نباشد در باب تزاحم وارد میشود. اگر مندوحه باشد: که دیگر تزاحم هم نیست.

\*- نکته : فرق تعارض با تزاحم است که در تعارض دلیل دیگر از حجیت ساقط است ولی در تزاحم دلیل دیگر از حجیت ساقط نیست بلکه از فعلیت ساقط میشود.

\*- اینکه ما قائل به جواز بشویم بر یکی از دو مبنا ممکن است. یا بگوییم تعدد عنوان یوجب تعدد معنون؛ یا میگوییم تعدد لایوجب تعدد معنون الّا انّه که حکم در همان عنوان باقی می­ماند و این وجوب و این حرمت به اون فعل خارجی تسرّی پیدا نکرده است. مرحوم مظفر میگوید اصلا محال است حکم تسرّی پیدا کند.

\*- 7/295 وأمّا صحه امتثال الواجب بالفعل المشتمل: ثمره دیگر ناظر به صحت العمل است یعنی صحت امتثال فعلی که مشتمل بر حرام است. بالاخره صلاتی که میخواهم اتیان کنیم این مشتمل بر غصب است آیا این صحیح است یا صحیح نیست؟ در اینجا اگر قائل به امتناع بشویم یک جوری میشود و اگر قائل به امتناع نباشیم.

\*- 1/296 سواء کان واجباً توصّلیاً أو عبادیاً: در اجزاء داشتیم که غیر واجب نمیتواند مجزی از واجب باشد. همین که نهی آمد اون وجوب را کنار میزند چون باب تعارض است و این صلاة دیگر وجوبی ندارد و حالا که وجوب ندارد دیگر عمل غیرواجبی است. دلیل واجب همینطور زنگ میزند که ما خود واجب را انجام بدهیم و به غیرواجب راضی نمیشود. البته این فرق است با حالتی که طرف را به زور بردند.

\*- 2/296 وإذا بنی علی عدم التعارض فینبغی التفصیل بین أن یکون الواجب توصّلیاً أو عبادیاً: اگر ما قائل به امتناعی نشدیم، در اینحالت دو دلیل سرجی خودشان ایستادند در این حالت باید بین واجب تعبّدی و توصّلی باید تفکیک کنیم.

اگر این واجب، واجب توصلی بود اشکالی ندارد و مجزی است به نحو مطلق و مطلق یعنی چه شما مندوحه داشته باشید چه مندوحه نداشته باشید. مهم بوده است که لباس آب کشیده شود چه با نیت شسته باشید چه خودش در رودخانه افتاده باشد. در واجب توصلی قصد قربت نیست.

ولی اگر واجب تعبدی بود و قصد قربت مهم بود:

حالت اول : اونهایی که به قائل به جواز اجتماع هستند بر دو مبنا قائل اند: یا بگوییم تعدد عنوان یوجب یا یکشف تعدد معنون؛ یا میگوییم تعدد لایوجب تعدد معنون الّا انّه که حکم در همان عنوان باقی می­ماند و این وجوب و این حرمت به اون فعل خارجی تسرّی پیدا نکرده است.

میگویید این نماز در دار مغصوبه دو عنوان دارد یکی عنوان صلاة و یکی عنوان غصب و در حقیقت دو کار است. مثل اجتماع موردی مثل النظر الی الاجنبیة فی اثاء الصلاة مثل اینکه با یک دست صدقه بدهید و با یک دست یتیم آزاری کنید. این میگن اجتماع موردی و اجتماع حقیقی نیست یعنی فعلین وقع فی زمان واحد.

یک بحث این شد و یک بحث این بود که ما قائل نشویم به تعدد عنوان یوجب یا یکشف تعدد معنون، بلکه بگوییم تعدد لایوجب تعدد معنون الّا انّه که حکم در همان عنوان باقی می­ماند و این وجوب و این حرمت به اون فعل خارجی تسرّی پیدا نکرده است.

اشکالی هم که در اینجا هست اینکه، درست است عنوان به معنون تسرّی پیدا نمیکند ولی شما میخواهید بوسیله این عمل خارجی تقرب به خدا پیدا کنید و این عمل خارجی مصداقی از مصادیق حرام است و چطور میخواهید با این مصداق حرام به خداوند تقرّب پیدا بکنید.